

آتش جهنم از درون انسان برمی خیزد

آیت الله جوادی آملی اثر انذار را بیش از تبشیر دانسته و تأکید می کند: هسته مرکزی تبلیغ و هدایت، انذار است و راز تأکید بر انذار این است...



خوف از جهنم موثرتر از شوق بهشت/ آتش جهنم از درون انسان برمی خیزد
آیت الله جوادی آملی اثر انذار را بیش از تبشیر دانسته و تأکید می کند: هسته مرکزی تبلیغ و هدایت، انذار است و راز تأکید بر انذار این است که بسیاری از انسانها با بشارت صرف هدایت نمی پذیرد و منطق آنان این است که نقد امروز را به نسیه فردا نمی فروشیم. از این رو در آغاز رسالت، ندای (قم فانذر) به گوش قلب پیامبر (ص) رسید.
به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر سوره فرقان اثر انذار را بیش از تبشیر دانست و اظهار داشت: بسیاری از مردم در اثر انذار و به خاطر خوف از آتش معصیت نمی کنند. اگر کسی نیتش شوق به بهشت باشد با این همه فضائل که برای نماز شب ذکر شده، نماز شب را هم مثل نماز صبح می خواند. اما چون محرک او در خواندن نماز صبح خوف از جهنم است، نماز صبح را می خواند ولی از فیض نماز شب محروم است...

آتش جهنم از درون انسان برمی خیزد

این استاد تفسیر حوزه علمیه با اشاره به وجود دو قول در مورد فرقان اظهار داشت: کلمه «انذیرا« در این آیه با ملاحظه حال اکثر مردم است وگرنه قرآن برای افراد میانی «تبشیر« و برای اوحدی از انسان ها «لقاء الله« را دارد... قرآن حکیم نه تنها میزان حق و عدل است بلکه مبانی علمی و مبادی ورودی و عملی در ساحت حق را ارائه می کند و مآثر عینی و آثار پربرکت خروجی آن را نیز بیان می نماید.

وی می افزاید: دستورهای ایجابی و تحریمی و یا ترجیحی و تنزیهی آن از یک سو و تبشیر پرهیزکاران و انذار تبهکاران از سوی دیگر و نقل نمونه های اجرا شدن آن در ضمن داستان پیامبران و مردمی که با قبول یا نکل، به اصحاب میمنه یا صحابه مشتمه تقسیم شده و به فلاح یا طلاح رسیدند از سوی سوم، همگی بیانگر تمام و کمال این میزان الهی و ضرورت عرضه خود بر آن و دریافت نسخه شفابخش از چنین کتابی است که ندای وَتُزِلْ مِنْ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِقَاءٌ وَرَحْمَةٌ را از بارگاه ملکوت اعلای عرشیان به کارگاه فرش نشینان رسانده است و عده ای را که دلمایه ای به عنوان کلمه طیب فراهم کردند، به سوی ثواب خدا صعود می دهد...

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه 24 سوره بقره «فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة أعدت للكافرين« تأکید می کند: ... خطاب این کریمه به کافران و بت پرستان حجاز است و از آن جا که مضمون آن گزارش غیبی است، خود نوعی اعجاز است. بنابراین، قرآن کریم در این آیه اعجاز خود را با اعجاز دیگری تضمین کرده است. جمله (فان لم تفعلوا) به منزله نتیجه قیاس و جواب شرطی است که در آغاز آیه قبل به صورت قیاسی استثنایی تنظیم گردید؛ اما جمله (ولن تفعلوا) گزارشی غیبی و خود معجزه دیگری است.

وی می افزاید: چون قرآن کریم کتاب هدایت و تربیت انسان عالم، عاقل و دیندار است، بر خلاف کتب علمی و عقلی بشری، سرشار از انذار و هشدار است و در این کریمه نیز معاندان را از عذابی بر حذر می دارد که مواد سوختی، آتش گیره و آتش زنه آن انسانها و سنگهای مورد پرستش آنهاست و برای کافران، منافقان و فاسقان آماده شده است؛ آتشی که از درون انسان بر می خیزد و از این رو هیچ راه گریزی از آن نیست، بلکه جسم و جان انسان تبهکار را می سوزاند...

قرآن و رسالت انذار

این مفسر قرآن در تفسیر آیه 24 سوره بقره یادآور می شود: قرآن کریم مانند کتابهای استدلالی و عقلی نیست تا تنها به نتیجه گیری از قیاس و برهان بسنده کند؛ چون زبان قرآن زبان علومی مانند حکمت و کلام، و هدف آن، تنها عالم شدن مخاطبان نیست، بلکه لسان وحی و هدایت و نور و در پی تربیت انسان عالم عاقل و دیندار است، یعنی، تعلیم کتاب و حکمت با تزکیه نفوس همراه است. از این رو هشدار می دهد: اگر نتوانستید همانند قرآن را بیاورید، که هرگز نمی توانید، از آتشی که برای کافران آماده شده، بپرهیزید.

وی تأکید می کند: این آیه شریفه ترس از جهنم را مطرح می کند؛ زیرا بیشتر انسانها بر اثر هراس از جهنم بر صراط ایمان و تقوا پایدارند. بدین جهت قرآن کریم گذشته از این که از رسول خدا به عنوان شیر و نذیر یاد می کند؛ در هیچ موردی پیامبر را تنها به عنوان مبشر معرفی نمی کند؛ درحالی که گاهی به صورت حصر به عنوان منذر معرفی می کند: (ان انت الا نذیر). (1131) رسالت

عالمان دینی نیز ترساندن مردم از قهر الهی است: (ولینذرو قومهم اذا رجعوا الیهم).

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه اولین قدم برای توده مردم ترس از جهنم است، یادآور می شود: البته اگر انسان بر اساس همین ترس پیش برود و خداوند را عبادت کند کم کم شوق بهشت و او پیدا می شود و حتی ممکن است درجات بلند محبت خدا را نیز تحصیل کند. آنگاه آزاد از هراس دوزخ و امید بهشت خداوند را عارفانه و عاشقانه می پرستد...

اهمیت انذار در تبلیغ و هدایت

این مفسر و مدرس عالی حوزه در تفسیر آیه 6 سوره بقره در مورد کلمه انذار می گوید: انذرتهم: انذار که در برابر تبشیر (نوید دادن) است، به معنای بیم دادنی است که با گفتار یا مانند آن صورت می گیرد... در طلیعه این سوره سخن از هدف قرآن کریم، یعنی هدایت مقتنین بود و چون در آن جا پرسش مطرح بود که اگر قرآن برای هدایت همه انسانها نازل شد، سر اختصاص هدایت آن به پرهیزکاران چیست؟ گویا در این آیه کریمه به پاسخ آن پرداخته، می فرماید: زیرا غیر متقی (مانند کافر) انذار و عدم انذارش یکسان است و آنان خود نیز به این حقیقت معترفند: (سواء علینا اوعظت ام لم تکن من الواعظین).

وی تأکید می کند: تقابل بین آیات آغازین سوره که سخن از هدایت متقین داشت با آیه مورد بحث که بیانگر هدایت ناپذیری کافران است، اقتضا می کرد که در این آیه شریفه به جای تعبیر (ءانذرتهم ام لم تنذرتهم)، گفته شود: اهدیتهم ام لم تهدهم.

وی می افزاید: شاید سر تغییر این باشد که قرآن کریم در امر هدایت انسانها، برای انذار و هشدار جایگاه ویژه ای قائل است و با اینکه قرآن هم بشیر مومنان است و هم نذیر آنان: (هدی و بشری للمومنین)، (تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا) و پیامبر اکرم (ص) نیز هم بشیر است و هم نذیر: (انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا)، اما هسته مرکزی تبلیغ و هدایت، انذار است و از این رو در برخی آیات قرآن کریم رسالت پیامبر اکرم (ص)، تنها انذار معرفی شده است، مانند: (انما انت نذیر)، (واوحی الی هذا القرآن لانذركم به) و در تبیین اساس هدایت پیامبران، تنها سخن از انذار رفته است: (یا معشر الجن والانس الم یاتکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی و ینذرونکم لقاء یومکم هذا) و هدف از نفر فرهنگی فقیهان نیز انذار انسانها معرفی شده است: (فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة لیفتقوها فی الدین ولینذرو قومهم اذا رجعوا الیهم).

شرط دشوار انذار

آیت الله جوادی آملی در ادامه تصریح می کند: گرچه تبشیر و انذار هر دو لطیفه رسولان الهی عالمان دین است، ولی شرایط انذار بسی دشوارتر از لوازم تبشیر است و هر کس تا حدودی می تواند مبشر باشد، ولی کسی می تواند منذر باشد که خودش از خطر متوقع ترسیده و آثار آن ترس در سخن و عملش جلوه گر باشد، همان گونه که پیامبر اکرم (ص) هنگامی که از قیامت خبر می داد رنگ رخسارش دگرگون می شد و مانند کسی که از تهاجم لشکر دشمن خبر می دهد، از قیامت سخن می گفت: ... تحمار وجنتاه و یذکر الساعه و قیامها حتی کانه منذر جیش .

وی در بخشی دیگر از تفسیر آیات ابتدایی سوره بقره تصریح می کند: راز تأکید بر انذار نیز این است که بسیاری از انسانها با بشارت صرف هدایت نمی پذیرد و منطق آنان این است که نقد امروز را به نسیه فردا نمی فروشیم. از این رو در آغاز رسالت، ندای (قم فانذر) به گوش قلب پیامبر (ص) رسید...

اصول دین و انذار و تبشیر در قرآن

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه 25 سوره بقره 171#؛ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ کَلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِی رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَ أَتُوا بِهٖ مُّتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ با اشاره به رابطه اصول دین و بحث انذار و تبشیر در قرآن تأکید می کند: اصول دین به توحید، نبوت و معاد و عناصر محوری وابسته به این ارکان تعریف می شود.

وی خاطرنشان می کند: در آیات مزبور اول به توحید آنگاه به نبوت و سپس به معاد پرداخته شده؛ گرچه معاد همان رجوع به مبدا است و از جهتی مقدم بر نبوت است، لیکن در مقام ظهور فعلی در خارج بعد از نبوت ظاهر خواهد شد؛ چنانکه آشنایی با بسیاری از مسائل آن مرهون وحی نبوی است، زیرا عقل گرچه خطوط کلی آن را ادراک می کند؛ لیکن شناخت بسیاری از رخدادهای تلخ دوزخ و شیرین بهشت در گرو گزارش وحی است.

وی تأکید می کند: از این رو پس از اثبات اعجاز قرآن از یک سو و اثبات رسالت نبی اکرم (ص) از سوی دیگر به معاد پرداخته شد و

چون لطف و عنف الهی و قهر و مهر خدایی به هم آمیخته است، از این رو تبشیر و انذار و وعد و وعید با ارائه رنج جهنم و گنج بهشت قرین هم مطرح است. از این رو پس از انذار از آتشی که وقود آن مردم و سنگهاست، نوبت مژده بهشت فرا می رسد.

وی با بیان اینکه گرچه پیام جامع تبشیر در همه موارد آن پیدایش سرور و نشاط است، لیکن تفاوت انبساط و مسرتها رهین تفاوت عناصر محوری آن است، می افزاید: تبشیر گاهی بر اثر اهمیت مطلب و گاهی به لحاظ زمان یا مکان یا سایر عوارض جنبی آن از اهتمام برخوردار می شود و گاهی به لحاظ مبدا فاعلی آن، یعنی شخص بشارت دهنده، از ویژگی بهره می گیرد. مژده بهشت گاهی از زبان عالم دین و مربی نفوس و معلم اخلاق و زمانی از زبان امام معصوم (ع) و گاهی از لسان رسول اکرم (ص) و بالاخره گاهی از ذات اقدس خداوند تلقی می شود. در این حال هیچ تبشیری به لحاظ مبدا فاعلی از این گزارش سودمند مهتر نیست.

آیت الله جوادی آملی در ادامه تأکید می کند: بشارتهایی که در قرآن بازگو شده است، همتای یکدیگر نیست زیرا مبشران آنها همسان نیستند، و آنچه از آیات (اذ قالت الملائکه یا مریم ان الله یشرک بکلمه منه)، (ان الله یشرک بیحیی مصدقا بکلمه من الله و سیدا و حصورا) و (یشرهم ربهم برحمه منه و رضوان و جنات لهم فیها نعیم) و نظایر آنها برمی آید هرگز از آیات دیگر تبشیر نظیر آیه محل بحث استفاده نمی شود؛ زیرا در آن آیات خود خداوند به عنوان مبشر مطرح بود، ولی در آیه محل بحث خداوند به رسول اکرم (ص) یا به انسان آگاه دیگر دستور بشارت می دهد. البته تبشیر بندگان خدا تبشیر با واسطه الهی است، لیکن نحوه تعبیر مهم است؛ چنانکه از تعبیر قرآن از گروهی خاص به عنوان بندگان خدا، لطف مخصوص الهی استظهار می شود؛ نظیر آیه (وانابوا الی الله لهم البشری فبشر عباد # الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه)